



### گادوت «جاسوس» جدید پرده نقره‌ای

گال گادوت برای فیلم تازه‌اش سراغ گونه جاسوسی دلهره‌آور رفته است. بازیگر نقش ابرقهرمان مجموعه اکشن کمیک‌استریپی «واندروومن» با «جاسوس» یک مجموعه فیلم جدید را به کارنامه‌اش اضافه می‌کند.
اطلاعی از داستان فیلم در دست نیست، اما گفته می‌شود مضمون مقابله دو جاسوس با یکدیگر را دارد. گرگ روکا فیلمنامه جاسوس را می‌نویسد. احتمالاً نام فیلم تغییر خواهد کرد. / وایتی

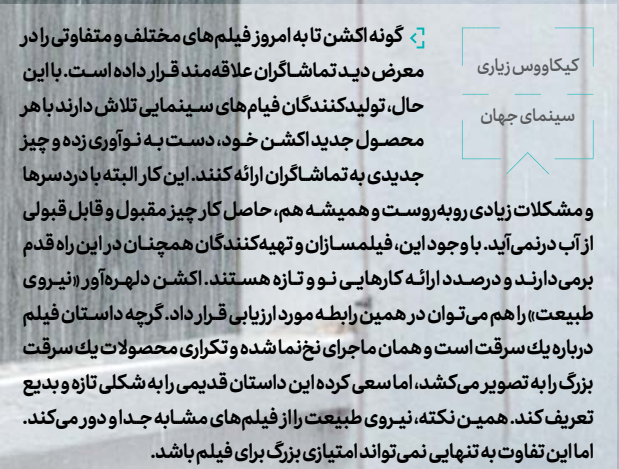


### ماهرشالا علی در مجموعه «جك»

درام ورزشی «جك»، داستان زندگی جك جانسون، قهرمان سنگین‌وزن رشته مشت‌زنی را به تصویر می‌کشد. ماهرشالا علی، بازیگر سیاهپوست سینما نقش جانسون را در مجموعه تلویزیونی جك بازی می‌کند. این مینی سریز در پنج اپیزود تولید می‌شود و شبکه اچ‌بی‌او تهیه‌کننده آن است. داستان مجموعه قرار است مسابقات مهم جانسون را که به قهرمانی‌هایش منتهی شد، به نمایش بگذارد. / موویز

# سرقت در دل توفان

«نیروی طبیعت» با بازی مل گیbson نتوانست انتظارات را برآورده کند



مل گیbson، بازیگر کهنه‌کار استرالیایی تبار سینما در این اکشن ماجراجویانه، نقش مقابل دو بازیگر جوان سینما امیلی هیرش و کیت بوسوورث را بازی کرده است. مایکل پالیش کارگردان فیلم، تجربه چندانی در ارائه فیلم‌های سینمایی ندارد و در کارنامه نه چندان بلندش، اثر چندان پرفروشی دیده نمی‌شود. با این حال، منتقدان سینمایی نیروی طبیعت او را بهترین ساخته سینمای‌اش تا به امروز می‌دانند. بر همین اساس، آنها ابراز امیدواری می‌کنند فیلم‌های آینده‌اش بهتر دیده و معرفی شود و موفقیت خوب مالی در جدول گیشه نمایش سینماها به دست بیاورند. در کنار بازیگرانی که نقش‌های مهم فیلم را به عهده دارند، مکان محدود فیلمبرداری (که شامل یک آپارتمان چند طبقه می‌شود) و نیروی قهریه طبیعت (که در اینجا خودش را به شکل یک توفان بزرگ و ویرانگر به نمایش می‌گذارد) هم دو عنصر مهم داستان معرفی شده‌اند. اهمیت این دو عنصر به اندازه اهمیت بازیگران و شخصیت‌های داستان، اعلام

شده است.

کل داستان نیروی طبیعت، در یک محله کوچک در گوشه‌ای از شهر لس آنجلس اتفاق می‌افتد. کاردیلو هیرش) یک مامور معمولی اداره پلیس در جریان یک توفان (که به تدریج سخت و خطرناک می‌شود) مامور گشت‌زنی در یک محله می‌شود. تروی بارت (بوسوورث) مامور تازه‌کاری است که با او در این گشت‌زنی همراه می‌شود. در جریان جابه‌جایی اهالی یک آپارتمان به یک مکان امن، این دو با سارقان مسلحی روبه‌رو می‌شوند که قصد حمله به آپارتمان یکی از ساکنان را دارند. حجم بالای فعالیت سارقان، حکایت از بزرگی عملیاتشان دارد. قربانی، یک افسر سابق اس اس است که گنجینه‌ای گرنه‌ها از عتیقه‌جات قدیمی را در آپارتمانش دارد و همین کلکسیون اشیای قدیمی است که سارقان آن به این محل کشانده است. کاردیلو و تروی در آپارتمان، ری (گیbson) پلیس بازنشسته را ملاقات می‌کنند، که به کمک آنها می‌آید. در حالی که توفان در حال از بین بردن نشانه‌های

زندگی است، نبرد سختی بین سارقان و سه مامور پلیس درمی‌گیرد. در پایان ماجرا، ری کشته می‌شود و سارقان از پا درمی‌آیند. با پایان درگیری، توفان هم فرو می‌نشیند. آنچه در نیروی طبیعت مورد توجه منتقدان قرار گرفت، بهره‌گیری از یک توفان در دل یک ماجرای سرقت مساحانه خونین بود. به گفته آنها، استفاده کارگردان از یک نیروی قهریه طبیعی در کنار درگیری خودساخته آدم‌ها به جذابیت کارافزوده است، اما این تعریف مانع از آن نشد که منتقدان انتقادات خود از فیلم را بنه‌ان کنند. در کل، نیروی طبیعت نتوانست چندان نظر مثبت منتقدان را به خود جلب کند و آنها با استفاده از کلماتی چون تکرار کلیشه‌ها و یک داستان کلیشه‌ای، به استقبال از فیلم رفتند. حتی بازگشت مل گیbson به جلوی دوربین هم نتوانست اعتبار چندانی برای فیلم و داستان آن خلق کند. حتی بسیاری از منتقدان چنین اظهارنظر کردند که این هنرمند قدیمی در نیروی طبیعت در قالب یک شخصیت مکمل ظاهر شده و کار درستی نکرده است. مایکل پالیش

بسیار شلوغ و پر است. گیbson کم‌دی اکشن کریسمسی «مرد جاق»

را در مراحل پایانی تولید دارد، که در آن نقش بائوبال را بازی می‌کند. «روچیلد» داستان یک میلیاردر نیویورکی را تعریف می‌کند و گیbson نقشی پدروخوانده گونه در آن دارد. البته شایعاتی هست که خبر از عدم حضور بازیگر در آن می‌دهد. این در حالی است که رسانه‌ها گفته بودند داستان فیلم در ارتباط با سلسله ثروتمند و بانکدار یهودی روچیلد است، اما گیbson این ادعا را رد کرد.

گیbson تابستان سال ۲۰۱۹ کار فیلمبرداری «آخرین نگاه‌ها» را تمام کرد و در حال آماده شدن برای بازی در اکشن دلهره‌آور جو کارناهان «لیو از تولدو» در کنار فرانک گریلو است. فیلم اوایل سال ۲۰۲۰ جلوی دوربین می‌رود. در فیلم، او کار جاق‌کنی اهل کانزاس‌سیتی است که با گروه‌های مافیایی در ارتباط است. بیماری فراموش کاری او، کار دستش می‌دهد و ماجراهای فیلم را به جلو می‌برد. به گفته گیbson: «برایم هیچ چیز جالب‌تر از این نیست که در فیلمی از کارناهان بازی کنم، به‌ویژه این که داستان فیلمش به‌شدت جذاب و درگیرکننده است. این فیلم از آن دسته فیلم‌هایی است که همیشه دوست داشتم‌ام بازی کنم.» کارناهان هم روی این نکته تأکید دارد که لیو از تولدو فیلمی است که گیbson را به جایگاه خوب دوران گذشته‌اش برمی‌گرداند. با این حال، معلوم نیست این فیلم بعد از اکشن علمی تخیلی. «در سطح رئیس» جلوی دوربین می‌رود یا قبل از آن. این اکشن آینده‌نگرانه داستانی در حال و هوای «روز گرندهاگ» دارد و شخصیت محوری داستان، هر روز با ماجرابی روبه‌رو می‌شود که روز قبل برایش اتفاق افتاده و نمی‌تواند از این دور تسلسل خودش را رها کند. اما خود گیbson امید زیادی به نسخه دوباره‌سازی شده «دسته وحشی‌ها» سام پکین پا (نمایش داده شده در ایران با نام «این گروه خشن») دارد. شرکت برادران وارنر و جری بروکهایمر تهیه‌کننده این نسخه هستند و هنوز کارگردانی برایش انتخاب نشده است. مایکل فاسبندر هم در این فیلم حضور دارد. در عین حال، قسمت دوم درام مذهبی و پر فروش «مصائب مسیح» هم هست. گیbson مدت‌هاست که می‌خواهد این فیلم را بسازد و به دلایلی که معلوم نیست، تولید فیلم چند بار به عقب افتاده است. قسمت اول در سال ۲۰۰۴ موفق به فروش جهانی و دور از انتظار، ۶۲۰ میلیون دلاری شد. در همان زمان، سینمایای ایران هم این فیلم را نمایش دادند. در حالی که خبرها حکایت از عدم حضور گیbson در دو فیلم «خوک‌های جنگی» (در نقش یک سرباز کهنه‌کار جنگی که درگیر یک ماجرای سیاسی بین‌المللی می‌شود) و «پرونده‌های سیاه» (اکشن دلهره‌آور تای شریدان که در شهر نیویورک اتفاق می‌افتد) می‌کند، او صدایش را به دومین قسمت پویانمایی «فرار جوجه‌ای» شرکت مستقل فیلمسازی آردمن قرض خواهد داد.

تولید فیلم‌های اکشن در سینمای ایران،

می‌توانست در مقایسه با سینمای غرب و تولیدات هالیوودی، هیچ برای گفتن نداشته باشد اگر فیلمسازان ایرانی تن به محرومیت‌ها می‌دادند و تسلیم نبود امکانات فنی و شرایط می‌شدند، اما سینمای اکشن در ایران و در مواجه با این‌گونه سینمایی مسیر خاص خودش را دنبال کرد. شاید در سینمای ایران فیلم‌های اکشن پر هیاهو با ابعادی که از هالیوود سراغ داریم، تولید نشده باشد و معدود تلاش‌های موفق همچنان به لحاظ تولید با نمونه‌های غربی فاصله داشته باشند، اما فیلمسازان ایرانی مسیرش را از ماجرا و اتفاق به سمت موقعیت کج کرده و نتیجه این چرخش فیلم‌هایی است که شاید به اندازه سینمای هالیوود مبهوت‌کننده و چشمگیر نباشند، اما قابل اعتنا و تأمل‌برانگیز هستند.

شاید کلیشه درد و پلیس در زیرمجموعه ژانر اکشن، داستان‌های جذاب و مبهوت‌کننده هالیوودی رقم زده باشد، اما در کشور ما فیلم‌هایی که سرقت را روایت می‌کنند به درام‌های روانکاوانه یا به حدیث نفس سارقان بدل شده‌اند و فیلمساز معمولاً یک موقعیت درام را به نمایش می‌گذارند تا تصویری دقیق از لایه‌های روانی شخصیت‌ها به‌خصوص سارقان نمایش دهد. در حقیقت فیلمسازان ایرانی در مواجهه با کمبودهای فنی و مالی در دهه‌های پیشین با به دلیل رویارویی با محدودیت‌های اجرایی که از مکان فیلمبرداری تا همکاری پلیس را شامل می‌شود و البته در غیبت فیلمنامه‌های دقیق و خوش ریتم، لاجرم به سراغ درام‌های روانکاوانه رفته‌اند و لایه‌های وجودی سارقان در موقعیت‌های متعدد را به تصویر کشیده‌اند. این چرخش و تغییر مسیر ناگزیر فیلمسازان ایرانی به آثار قابل

### نمای بسته از سارقان!



اعتنایی ختم شده‌که بسیاری از آنها در زمان خود مورد توجه نیز واقع شده‌اند. در ادامه به چند نمونه از این آثار اشاره می‌کنیم که ماجراهای فیلم و شخصیت‌های آنها روی داستان پرتکرار درد و پلیس سوار شده است.

#### نگرس

رخشان بنی‌اعتماد

۱۳۷۰

فیلم، قصه جوانی به نام عادل با بازی ابوالفضل پورعرب و زنی به نام آفاق (فریمه فرجامی) را روایت می‌کند که از راه دزدی گذران زندگی می‌کنند، اما روزی عادل در جریان یک سرقت دستگیر می‌شود. جیب‌برها به بهشت نمی‌روند

ابوالحسن داوودی

۱۳۷۰

قصه دلشاد، جوان دستفروش دوره‌گرد با بازی علیرضا خمسه را روایت می‌کند که هرکاری می‌کند به در بسته می‌خورد و سرانجام با یک گروه سارق همراه می‌شود.

#### دست‌های آلوده

سیروس الوند

۱۳۷۸

سیامک (ابوالفضل پورعرب)، دیبا (هدیه تهرانی)، نادر (امین حیایی) و رؤیا (الهام ایمانی) چهار جوان هستند که دست به سرقتی بزرگ از یک مراسم عروسی اعیانی می‌زنند.

